

دوفصلنامه علمی-ترویجی مطالعات تقریبی مذاهب اسلامی (فروغ وحدت)
سال سیزدهم / دوره جدید / شماره ۴۸ / پاییز و زمستان ۱۳۹۶
صص ۶۷-۷۷

مفهوم‌شناسی جنت در قرآن کریم

• عباس مصلائی پور یزدی

دانشیار دانشگاه امام صادق (ع)

amusallai@gmail.com

• فاطمه خیوه

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه مذاهب اسلامی (نویسنده مسئول)

zohayas@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۱۹، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۳/۳۱

چکیده

در قرآن کریم از انواع مختلفی از جنت نام برده شده که اوصاف و درجات آنها نیز باهم متفاوت است. بررسی اصناف و القاب جنت در قرآن کریم از دیدگاه تفاسیر مهم فریقین و نیز تحلیل مراتب گوناگون آن در قرآن کریم از مهم‌ترین اهداف این مقاله است. براساس یافته‌های این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی به رشته تحریر درآمده است، اوصاف و درجات مطرح شده در قرآن کریم در نهایت جزء یک جنت واحد هستند و تفاوت آنها در تفاوت ایمان و عمل صالح بهشتیان است. در بهشت نظام فعلی برچیده شده و تنها سببی که در آنجا کارگر است، اراده و خواست آدمی است که هرچه بخواهد خدا برایش خلق می‌کند. هرکس مرتبه بالاتری در بهشت دارد، از مراتب پایین‌تر هم بهره‌مند است، ولی هرکس در مرتبه پایین‌تر باشد، از مراتب فوق مرتبه خود، بهره‌ای ندارد. باطن هر نعمت بهشتی، حقیقت اسمی از اسمای الهی است. مقام علین بالاترین درجه بهشت است که مشابه مقام وسیله است که مهربان الهی در آنجا سکنی دارند. بهشت مانند وجود انسان یک بعد مثالی و ملکوتی و یک بعد مادی و طبیعی دارد. بهشتیان در بهشت، در سلامت و امنیت کامل هستند و با تسبیح و تقدیس الهی به درجات کمال بیشتری نیز نایل می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: جنت، دارالسلام، دارالرضا، روضات، نعیم، فردوس.





مقدمه

اسلام، آخرین آیین الهی است که توسط پروردگار جهانیان برای راهنمایی انسانها نازل شده است. معارف و اندیشه‌های ارائه شده در این آیین آسمانی، در اوج قله معرفت بشری قرار دارد و شناخت و درک این مفاهیم عمیق در حیطة توانایی هرکس نبوده و نیازمند فکری عمیق و تلاشی گسترده است.

واژه جنت و تعبیر فارسی آن بهشت نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این پژوهش تلاش گردیده تا به این پرسشها پاسخ داده شود که اصناف و القاب جنت در قرآن کریم چیست؟ چرا مراتب گوناگونی برای جنت در نظر گرفته شده است؟ آیا این بهشتها از نظر امکانات و شرایط اشتراک هم دارند و قابل جمع هستند؟ و به طور کلی بر چه اساسی این بهشتها میان بهشتیان تقسیم می‌شود؟ براساس مبانی فکری اسلامی، حقیقت رستگاری نجات از جهنم و دستیابی به بهشت جاودان است. روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی می‌باشد و از منابع کتابخانه‌ای و نرم افزارهای تفسیری و حدیثی استفاده شده است.

درباره ویژگیهای بهشت در قرآن کریم و اوصاف آن و سیمای بهشتیان، مقالات متعددی چاپ شده که به بررسی ویژگیها و اوصاف بهشت و بهشتیان می‌پردازند. در این مقالات، به بررسی مفهوم جنت در قرآن کریم و احادیث پرداخته شده و نقش پررنگ این مفهوم در تفاسیر و کتب فریقین بیان نشده است. جنبه نوآوری این پژوهش، آن است که به بررسی و تحقیق پیرامون انواع جنت با نگاه به تفاسیر فریقین پرداخته و سعی در مقایسه انواع درجات و مقامات بهشتیان و تفاوتها و شباهتهای جنت از دیدگاه مفسران اسلامی دارد.

مفهوم جنت

جنت از ماده جنن است. جن در اصل به معنای پوشش است. بیشتر لغت شناسان و نویسندگان مسلمان این واژه را عربی و از ریشه جنن به معنای پوشیدگی و

حفاظ داشتن دانسته‌اند؛ یعنی هر باغ و بوستانی که دارای درختان انبوه است و زمین را می‌پوشاند،^۱ یا به خاطر پوشیده بودن نعمتهای بهشتی با توجه به آیه «فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲، از این واژه استفاده شده است.^۳ جنت در زبان عربی درباره باغی استعمال می‌شود که در آن درخت خرما و انگور وجود داشته باشد، اما اگر این دو درخت در باغی وجود نداشته باشد، عرب لفظ حدیقه را برای آن استعمال می‌کند و بعضی می‌گویند: به معنای درهم پوشیده بودن درختان به خاطر تعداد زیاد آنها است که سایه شاخه‌های درهم تنیده آنها، پوشش و سایه کاملی ایجاد می‌کند، بنابراین به بهشت، جنت می‌گویند.^۴ در نهایت جنت یعنی باغی که پوشیده از درختان فراوان و از نعمتهای بسیاری مملو است.

جنت از نظر اصطلاحی، باغی است که با درختان مختلف پوشیده شده و به این سبب این مفهوم درباره منازل مؤمنان و متقیان در آخرت استعمال می‌شود. بهشت آخرتی مانند: جنة عالیه، جنة الخلد، جنة نعیم، جنة عدن و ...^۵ آیت‌الله جوادی آملی می‌گوید: «هر باغی جنت نیست، جنت بوستان سرسبزی است که درختانش درهم پیچیده و پوشیده و فراوان باشد و «تحتها» به معنای زیر درختان یا زیرزمین نیست، بلکه به معنای روی زمین و زیر سقف این باغ سرسبز است. گویا جمعاً یک فضای سبز است که زیر آن نهر و بالای آن درختان و قصور است».^۶

بهشت در لغت ریشه اوستایی دارد و به معنای خوش‌تر، نیکوتر و جهان بهتر است، با نعمتهای فراوان، که نیکوکاران پس از مرگ در آنجا جاودان باشند. از بهشت در قرآن کریم، نهج البلاغه و روایات ائمه(ع)،

۱. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۰۰.

۲. سجده، ۱۷.

۳. المفردات، ج ۱، ص ۴۱۵.

۴. لسان العرب، ج ۱۳، ص ۱۰۰.

۵. التحقيق، ج ۲، ص ۱۴۵.

۶. تسنیم، ج ۱۳، ص ۳۴۲.

غالباً به جنت تعبیر شده است.^۷

هم‌جواری الهی و رضوان او است.

در حقیقت نام‌گذاری بهشت به جنت از باب تسمیه کل به جزء است؛ یعنی به معنای باغهایی با درختان بسیار و سرسبز است و این بخش کوچکی از نعمتهای بهشت برین است. پس بین بهشت و معنای لغوی جنت تساوی کامل معنایی وجود ندارد و بهشت از نظر معنا اعم از جنت است.

علمای متقدم ما نیز بیان داشته‌اند که بهشت سرای جاودان و جایگاه سلامت است. مرگ، پیری، رنج، آفت و زوال در آن راه ندارد. غم و اندوه و نیاز در آنجا نیست و بی‌نیازی واقعی، خوشبختی و وطن اصلی آنجا است و سرای شرف و بزرگواری است. منزلی است که ساکن آن خانه، در جوار حضرت پروردگار و دوستان، اولیا و مقربان درگاهش زندگی می‌کند.^۸

در حقیقت قرآن کریم از محل زندگی اخروی مؤمنان و متقیان، به جنات و جنت یاد کرده است که منظور همان بهشت برین است. البته بهشت بر دو قسم است: بهشت حسی و بهشت عقلی. بهشت حسی، همان «إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ»^۹ است، با آن ویژگیهای مادی خاص که در قرآن کریم بیان گردیده است، مانند انواع خوردنی و نوشیدنی، لقای حورالعین و به خدمت گرفتن نوباوگان. بهشت دیگر، بهشت عقلی است که از آیه «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ»^{۱۰} برداشت می‌گردد.^{۱۱}

عامه بهشتیان بندگان هستند که شأنشان تنها در این حد است که از نعمتهای مادی بهشت استفاده کنند و البته این مقام پایین در بهشت است، اما در بهشت عقلی، بهشتیان کارشان تسبیح، تحلیل و تمجید ذات حق است و توجه زیادی به نعمتهای مادی ندارند و با اولیا و ابرار مانوس هستند و عالی‌ترین درجه بهشت

اوصاف و القاب جنت در قرآن کریم

۱) دارالسلام

واژه دارالسلام دوبار در قرآن کریم آمده است: «لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ هُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^{۱۲} و «وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^{۱۳} در این آیات، بهشت و دارالسلام مخصوص مؤمنان؛ یعنی کسانی است که در صراط مستقیم حرکت می‌کنند.

سلام اسمی از اسمای حسناى الهی است و جنت را به این جهت دارالسلام لقب داده‌اند که آنجا خانه‌ای است که سلامت محض است و بهشتیان را هیچ آفتی اعم از درد، رنج، مریضی، فقر، پیری و زوال نعمت نمی‌رسد.^{۱۴}

در حقیقت از جانب خداوند که سلام است: «هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيَّمِنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ»^{۱۵} جز سلامت چیزی بروز پیدا نمی‌کند. خداوند انسان را به دارالسلام دعوت می‌کند: «وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^{۱۶} و تا زمانی که انسان از سلامت کامل برخوردار نشود، به وصال دارالسلام در آخرت نخواهد رسید.^{۱۷}

به طور کلی هدایت و دعوت به راههای سلام، همان هدایت تکوینی الهی است و همان به سلامت به مقصود رساندن و ایصال به مطلوب است؛ چون هدایت تشریحی الهی که فرستادن انبیا و بیان احکام توسط آنها است، فقط به مؤمنان اختصاص ندارد، ولی دارالسلام فقط به مؤمنان اختصاص دارد.^{۱۸}

۱۲. انعام، ۱۲۷.

۱۳. یونس، ۲۵.

۱۴. التبیان، ج ۵، ص ۳۶۴؛ المیزان، ج ۱۰، ص ۱۸؛ تسنیم، ج ۱، ص ۹۳.

۱۵. حشر، ۲۳.

۱۶. یونس، ۲۵.

۱۷. تسنیم، ج ۲، ص ۵۰۴.

۱۸. همان، ج ۱، ص ۴۷۴.

۷. لغت‌نامه، ج ۳، صص ۴۳-۷۷.

۸. بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث، ج ۲، ص ۷۲.

۹. قمر، ۵۴.

۱۰. قمر، ۵۵.

۱۱. تسنیم، ج ۹، ص ۲۳۹.





برخی گفته‌اند: بهشت را دارالسلام نامیده‌اند؛ چون اهل بهشت به یکدیگر سلام می‌کنند و فرشتگان هم بر آنها سلام می‌کنند و خداوند هم بر آنها سلام می‌فرستد و آنها هم در بهشت جز سلام نمی‌شنوند: «إِلَّا قِيلاً سَلَامًا سَلَامًا»^{۱۹} و جز سلام نمی‌بینند: «وَأَدْخِلَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ»^{۲۰} در بهشت سلام، امنیت، سلامت و شادی است.^{۲۱} از نظر ابن عربی، بهشت عالمی روحانی است که در آن آفت، نقص، فقر، عیب و ... نیست و خداوند هرکس از مؤمنان راستین را به این راه واحد هدایت می‌کند.^{۲۲} در حقیقت لازمه سلامت انسان، این است که بر هر چه دوست دارد و می‌خواهد، مسلط باشد و هیچ چیزی نتواند جلوی خواست او را بگیرد.

۲) دارالارث

یکی از اوصاف و القاب جنت دارالارث است که این نام از این آیه استنباط می‌شود: «تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا»^{۲۳} از تفاسیر اسلامی چنین برمی‌آید که در حقیقت کلمه ارث و وراثت به این معنا است که مال یا شبه مالی از شخصی به دیگری برسد، بعد از آنکه شخص اول آن را با مردن خود یا جلای وطن و امثال آن ترک گفته باشد.^{۲۴} بهشت را از آن جهت دارالارث لقب داده‌اند که بهشت در معرض آن بوده که به تمامی افراد اعطا گردد و چون خداوند آن را با شرط ایمان و عمل صالح به همه وعده داده، پس اگر به متقیان اختصاص یافته و دیگران به خاطر اضعاع نماز و پیروی از شهوات از آن محروم شده‌اند، در حقیقت از آنها به بهشتیان ارث رسیده است.

در آیه «وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ وَ

أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ»^{۲۵} میان ارث دادن و اجر جمع شده است.^{۲۶} از نظر برخی مفسران مفهوم ارث این است که بهشتی که می‌توانست به انسان طالح تعلق بگیرد، از او گرفته شده و به انسان صالح تعلق می‌گیرد.^{۲۷} از نظر صاحب تسنیم، با علم و عمل صالح، وارثان علمی و عملی پیامبران خدا؛ یعنی مؤمنان راستین، وارثان فردوس هم خواهند بود؛ زیرا آنها در دنیا از علم انبیا و عمل آنها اطاعت کردند که همان علم و عمل حقیقی میراث انبیا، و ثمره آن بهشت عظیم الهی است.^{۲۸}

در حقیقت، از آنجا که بهشت باید به همه انسانهایی اعطا می‌شد که اطاعت اوامر الهی را کرده بودند و تنها عده کمی از انسانها شکرگزار نعمتهای الهی بودند و شایسته حضور در بهشت خواهند شد، گویی بهشت آنها هم به صالحان ارث داده می‌شود. همچنین انسانهای مؤمن وارثان علم و عمل انبیای الهی و صالحان هستند و در کنار آنها از نعمت بهشت برخوردار خواهند شد.

۳) روضات الجنات

یکی از القاب بهشت روضات الجنات است. در سوره شوری آمده است: «تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ»^{۲۹}

روضه در لغت به معنای زمین سبز و خرمی است که گیاهان در آن به خوبی می‌روید و مقصود از روضات الجنات باغهای مشجری است که در وسط زمین سبز و خرم قرار دارد^{۳۰} و در آنجا سرور و شادی و

۲۵. زم، ۷۴.

۲۶. جامع البیان، ج ۱۶، ص ۷۷؛ التبیان، ج ۷، ص ۱۳۹؛ مفاتیح الغیب،

ج ۲۱، ص ۵۵۴؛ الدر المنثور، ج ۶، ص ۲۳؛ المیزان، ج ۱۴، ص ۷۴.

۲۷. التحریر و التنویر، ج ۱۶، ص ۶۰.

۲۸. ادب فنای مقربان، ج ۲، ص ۱۰۰.

۲۹. شوری، ۲۲.

۳۰. الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۶، ص ۲۱؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۲.

۱۹. واقعه، ۲۶.

۲۰. ابراهیم، ۲۳.

۲۱. البرهان، ج ۲، ص ۴۷۹.

۲۲. تفسیر ابن عربی، ج ۱، ص ۲۸۳.

۲۳. مریم، ۶۳.

۲۴. المیزان، ج ۷، ص ۱۳۹.

نعمتهای فراوان است، برای کسانی که در دنیا ایمان آوردند و اعمال صالح انجام دادند. برای آنها هرچه اشتها و میل دارند و دیده‌ها از دیدن آن لذت می‌برند، وجود دارد و همه چیز برای آنها مهیا است و برای آنها نعمتها و ثواب فراوان است.^{۳۱}

از نظر برخی مفسران، «روضات الجنات»، بقعه‌ها و منازل شریف و خاصی است، برای کسانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام داده و گناه نکرده‌اند و سایر بهشتها برای بقیه اصناف بهشتیان است.^{۳۲} این پاداش ابدی فضل عظیم و بزرگی است، از جانب پروردگار که بدون اینکه بندگان استحقاق آن را داشته باشند، خداوند به آنان تفضل فرموده است؛ زیرا در مقابل اعمال اندکی در مدتی کوتاه به نعمتی همیشگی و زوال ناپذیر دست یافته‌اند.^{۳۳} به طور کلی توفیق یاری دین و فراگیری معارف الهی و انجام دادن عمل صالح در دنیا و رسیدن به بهشت و رضوان الهی در آخرت، از مظاهر بزرگ فضل الهی و رحمت رحیمیه او است.^{۳۴}

از زیباییهای دیگر این آیه، این است که مرحله به مرحله حضور در بهشت را به تکامل می‌رساند، مانند میهمانی که اول در منزل اقامت می‌کند (روضات الجنات) و سپس هرچه بخواهد برای او فراهم می‌شود و پس از مدتی با صاحب خانه آشنا تر شده و با فضل او به میزبان نزدیک تر می‌شود.^{۳۵}

به طور کلی، هر نعمت بهشتی بی‌نهایت باطن دارد که اهل بهشت با استفاده از آن نعمت، به سمت باطن آن سیر می‌کنند و باطن آن حقیقت اسمی از اسمای الهی است. بنابراین اهل بهشت مدام در اسمای الهی سیر می‌کنند. پس باطن بهشت را پایانی نیست؛ چون اسمای الهی محدود به هیچ حدی نمی‌باشند و این فضل کبیر الهی و فوزی عظیم برای بهشتیان و ساکنان روضات الجنات است.

۴) دارالرضا

یکی دیگر از اوصاف بهشت دارالرضا است که از آیات قرآن کریم استنباط می‌شود. به عنوان مثال در سوره مائده آمده است: «قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمٌ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ».^{۳۷}

از نظر لغوی واژه رضوان به معنای خشنودی است و رضا هم به این معنا است، ولی کلمه رضوان در این معنا بلیغ تر است. رضوان آن حقیقتی است که در برابر احسان مستحق می‌گردد.^{۳۸} به طور کلی رضا و خشنودی، آن حالتی است که در نفس انسان، هنگام برخورد با چیزی که ملایم طبع او است، پیدا می‌شود و نفس از پذیرفتن آن امتناع نمی‌ورزد و در صدد نفی آن بر نمی‌آید.

در بیشتر مواردی که در قرآن واژه رضای الهی آمده است، منظور رضایت به اطاعت است؛ یعنی رضای خدا را با رضای بنده مقابل هم قرار داده که رضایت خدا از بنده‌اش به خاطر اطاعت او است و رضایت بنده از خدا به خاطر پاداشی است که به او می‌دهد، یا به خاطر حکمی است که به نفع او صادر می‌کند.^{۳۹} رضوان الهی مقامی نیست که هرکس بتواند آن را آرزو کند؛ زیرا آرزوی هرکس به اندازه ادراک و اندیشه او



۳۷. مائده، ۱۱۹.

۳۸. مجمع البیان، ج ۱۱، ص ۴۳؛ المیزان، ج ۱۸، ص ۴۴۶.

۳۹. المیزان، ج ۳، ص ۱۰۷؛ الفرقان، ج ۵، ص ۶۰.

۳۱. جامع البیان، ج ۲۵، ص ۱۵؛ الجامع لأحكام القرآن، ج ۱۶، ص ۲۱.

۳۲. مفاتیح الغیب، ج ۲۷، ص ۵۹۳؛ الفرقان، ج ۲۶، ص ۱۷۳.

۳۳. مجمع البیان، ج ۹، ص ۴۲.

۳۴. تسنیم، ج ۱، ص ۲۹۳.

۳۵. المیزان، ج ۱۸، ص ۴۲.

۳۶. التحریر و التنویر، ج ۲۵، ص ۱۴۳.



است. در حقیقت هیچ نعمتی از نعمتهای الهی با نعمت رضوان الهی، شایسته سنجش نیست و بزرگ‌ترین کامیابی رسیدن به این نعمت و فوز عظیم است.^{۴۰} در حقیقت دارالرضا از عالی‌ترین مقامات و اوصاف بهشت است و کسی به این مرحله می‌رسد که در دنیا به مقام رضایت رسیده باشد. کسی که دارای مقام رضا است، همیشه در آسایش است و بهشت دارالرضا است؛ زیرا خانه آسایش است و انسان بهشتی در همه حال از خداوند راضی است.

بهشتیان به این جهت به دارالرضا داخل شده‌اند که نه تنها اخلاق و رفتارشان، بلکه گوهر وجودشان مرضی خداوند است.^{۴۱} بزرگ‌ترین سعادت و رستگاری برای یک انسان عاشق، این است که رضایت معشوق خود را جلب کند، بدون اینکه در صدد ارضای نفس خویش بوده باشد و رضایت الهی حقیقت هر فوز و رستگاری بزرگ است. آری اگر بهشت دارالرضا نباشد و خدا از ما راضی نباشد، همان بهشت هم عذاب خواهد بود.^{۴۲}

درجات و مراتب جنت در قرآن کریم

از تعبیرات مختلف قرآن کریم استفاده می‌گردد که باغهای بهشتی متعدد و گوناگون، و دارای درجات متفاوتی هستند. از آنجا که ایمان دارای مراتب مختلفی است، بنابراین درجاتی هم که خداوند به ازای آن می‌دهد، متفاوت است. تمامی درجاتی که خداوند در قرآن کریم نام می‌برد، برای فرد مؤمنان نیست، بلکه مجموع آن برای مجموع مؤمنان است و مقصود از درجات نیز مراتب قرب خدا است.^{۴۳}

از منظر بسیاری از مفسران اسلامی، درجات و مراتب آخرت تابع اعمال انسانها، و منزلت آنها نزد خداوند است. در روایت است که بین عالی‌ترین درجه بهشت و پایین‌ترین درجات آن، به اندازه فاصله میان آسمان

۴۰. تسنیم، ج ۱۳، ص ۳۴۲؛ ج ۲، ص ۳۱۳.

۴۱. همان، ج ۲۴، ص ۳۱۴.

۴۲. المیزان، ج ۹، ص ۳۴۸.

۴۳. همان، ج ۹، ص ۸.

و زمین است.^{۴۴}

در آیات قرآن کریم گاهی بیان می‌شود که برای مؤمنان درجات است: «أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَرِيمٌ»^{۴۵} و گاهی می‌فرماید: «هُمُ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ»^{۴۶} یعنی انسان با عین حقیقت متحد شده و خودش درجه می‌شود. بنابراین درجات بهشت و مکان آن، عالی است و انسانی که در مکان عالی است، با آن مکان متحد شده، خود در حقیقت درجه دار و عالی خواهد شد.^{۴۷} از نظر آیت‌الله جوادی آملی: «صعود در درجات بهشت همان ظهور انس با قرآن در دنیا است. هر اندازه قاری قرآن همراه با حبل متین الهی باشد، همان نسبت به درجات بهشت صعود دارد».^{۴۸}

۱) جنت نعیم

در سوره واقعه آمده است: «فَرَوْحٌ وَ رِيحَانٌ وَ جَنَّةُ نَعِيمٍ»^{۴۹} در این بهشت، بهشتیان از باغهای بهشت که در آن انواع نعمتها موجود است، بهره‌مند می‌شوند. از نظر شیخ طوسی، هریک از مقربان در یک جنت نعیم خواهند بود، در نتیجه همه آنها در جنات نعیم هستند. جنت نعیم برای مقربان همراه با روح و ریحان است که در آن با انواع میوه‌ها و روزیها متلذذ می‌شوند.^{۵۰} از منظر علامه طباطبایی، نعیم به معنای ولایت است و جنت نعیم عبارت است از: جنت ولایت، و این همان داخل شدن به ولایت خدا است.^{۵۱} امام صادق (ع) فرمود: «بهشتهای یاد شده در کتاب الهی، جنت عدن، جنت فردوس، جنت نعیم و جنت مأوی هستند».^{۵۲}

۴۴. مجمع البیان، ج ۶، ص ۶۲۸؛ مفاتیح الغیب، ج ۹، ص ۴۱۶؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۲۰۰؛ البرهان، ج ۱، ص ۵۱۳.

۴۵. انفال، ۴.

۴۶. آل عمران، ۱۶۳.

۴۷. سیره پیامبران در قرآن، ج ۶، ص ۲۳۳.

۴۸. تسنیم، ج ۱۲، ص ۱۵۶.

۴۹. واقعه، ۸۹.

۵۰. التبیان، ج ۹، ص ۵۱۴.

۵۱. المیزان، ج ۱۹، ص ۱۳۹.

۵۲. البرهان، ج ۳، ص ۷۳۳.

در حقیقت، از آنجا که جنت نعیم برای مقربان همراه با لذت‌های فراوان است و در آن با انواع نعمات مسرور می‌گردند، از نظر بزرگان منظور از جنت نعیم همان ولایت است؛ چون داخل شدن در ولایت الهی است که سبب دخول انسان به بهشت و سبب ساز این همه نعمت جاودانه است.

۲) جنت عدن

یکی از مراتب بهشت جنت عدن است. برای نمونه در آیه ۶۱ سوره مریم آمده است: «جَنَّاتِ عَدْنِ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا». عدن به معنای استقرار است^{۵۳} و بهشت عدن؛ یعنی بهشت جاودان. در حقیقت کلمه عدن مصدر است و معدن را نیز به این جهت معدن می‌گویند که جواهر و فلزات در آن قطعه از زمین مستقر گشته است و بنابراین معنای جنات عدن، بهشتهای ماندنی و از بین نرفتنی است. گویا این بهشت مشتمل بر بهشتهایی است و برخی می‌گویند در همان بهشت بزرگ، برای هریک از مؤمنان بهشتی است.^{۵۴}

برخی مفسران معتقدند عدن، بهشتی آخرتی، و در مقابل بهشت برزخی است - که جاویدان نیست و خارج شدن از آن ممکن است؛ یعنی این بهشت دائمی و خالد است.^{۵۵} در حقیقت، اگر بهشت ابدی نباشد، اندوه انقطاع آن نعمت، فرد بهشتی را می‌رنجاند. بنابراین بهشت آخرتی زوال ناپذیر و ابدی است.^{۵۶}

از ابوالدرداء از پیامبر(ص) نقل شده است که فرمود: «عدن خانه خدا است که هیچ چشمی آن را ندیده و صورتش به قلب هیچ بشری خطور نکرده است و غیر از سه طایفه کسی را در آن راه نیست: انبیا، صدیقین و شهدا، و خدای تعالی فرمود خوشا به حال کسی که به درون تو درآید».

۵۳.المیزان، ج ۱۱، ص ۴۷۴.

۵۴.التبیان، ج ۷، ص ۱۳۳؛ مجمع البیان، ج ۶، ص ۸۰۴؛ المیزان، ج ۹، ص ۳۴۸.

۵۵.الفرقان، ج ۱۸، ص ۳۴۵.

۵۶.مفاتیح الغیب، ج ۲۱، ص ۱۳۱.

برخی مفسران معتقدند عدن بلندترین درجات بهشت است و چشمه تسنیم آنجا است و بهشتهای دیگر در اطراف آن قرار دارند.^{۵۷} از منظر برخی دیگر منظور از جنت عدن، محل اقامت است و وصف خداوند به آن، برای زیادتی تشریف و تحسین است و در آن تبشیری برای مؤمنان و سابقین در دعوت به سوی ایمان است.^{۵۸}

از نظر فخررازی دلیل این نام‌گذاری، این است که این بهشت با باغهای دنیا متفاوت است؛ زیرا باغهای دنیا حالات مختلفی را تجربه می‌کند، از سبزی و میوه و زردی، ولی بهشت عدن دائمی است و مدام حالت آن بدون تغییر باقی می‌ماند.^{۵۹}

۳) جنت مأوی

یکی دیگر از مراتب و درجات بهشت جنت مأوی است. در سوره سجده آمده است: «أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ».^{۶۰} جنت مأوی؛ یعنی بهشتی که مؤمنان، برای همیشه در آن منزل می‌کنند. چون بهشت دیگری هم هست که موقتی است و آن بهشت برزخی است، برخی از مفسران آن را به جنت برزخی تفسیر کرده‌اند.^{۶۱} اما براساس نظر بیشتر مفسران، جنت مأوی پس از قیامت است. مطابق برخی تفاسیر جنت مأوی مسکن پیامبر(ص) و امام علی(ع) است.^{۶۲}

۴) جنت فردوس

برای نمونه در آیه ۱۰۷ سوره کهف آمده است: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا». فردوس، کلمه‌ای رومی است؛ به معنای بستان، و بعضی گفته‌اند: سریانی است، به معنای تاکستان که اصل آن (فرداس) بوده است. بعضی نیز

۵۷.مجمع البیان، ج ۵، ص ۷۷؛ المیزان، ج ۹، ص ۴۶۹.

۵۸.التحریر و التنویر، ج ۱۶، ص ۶۰.

۵۹.مفاتیح الغیب، ج ۲۱، ص ۵۵۳.

۶۰.سجده، ۱۹.

۶۱.مجمع البیان، ج ۹، ص ۱۷۵.

۶۲.البرهان، ج ۵، ص ۱۹۹.





گفته‌اند: عربی است و به معنای باغ پردرختی است که بیشتر درختانش انگور باشد.^{۶۳}

در تفسیر *روض الجنان* آمده است: اگر در بستان درخت خرما باشد، آن را جنت خوانند و اگر در آن انگور باشد، آن را فردوس می‌خوانند.^{۶۴} ولی در قاموس قرآن بیان شده است: فردوس باغی است که جامع میوه‌های تمام باغات است.^{۶۵}

در روایتی امام علی(ع) فرمود: «برای هر چیز نقطه برجسته‌ای است و نقطه برجسته بهشت، فردوس است که اختصاص به محمد و آل محمد(ع) دارد.»^{۶۶}

در روایت دیگری آمده است که پیامبر(ص) فرمود: «وقتی از خدا درخواست می‌کنید، فردوس را بخواهید که در وسط بهشت بر نقطه بلند آن قرار دارد که فوق آن عرش رحمان است و نهرهای بهشتی از آن می‌جوشد.»^{۶۷} همچنین پیامبر(ص) در جای دیگر فرمود: «بهشت ۱۰۰ درجه است که مابین دو درجه آن، به قدر مابین آسمان و زمین است و فردوس بالاترین درجه آن است که نهرهای چهارگانه بهشت از آنجا می‌جوشد، پس هر وقت خواستید از خدا درخواستی کنید، فردوس را بخواهید.»^{۶۸}

مطابق تفاسیر، معنای وراثت فردوس این است که فردوس برای مؤمنان باقی و همیشگی است و اینکه بهشت بدون زحمت به آنها می‌رسد، همچنان که مال بدون زحمت به وارث می‌رسد.^{۶۹}

۵) جنت عالیه

یکی از مراتب بهشت جنت عالیه است. در سوره غاشیه آمده است: «فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ».^{۷۰} مراد از عالی بودن درجات بهشت، ارتفاع درجات و شرافت و

جلالت قدر و گوارایی عیش آن است؛ چون در بهشت حیاتی است که دنبالش مرگ نیست و لذتی است که با درد آمیخته نیست و اهل بهشت نه تنها هرچه دوست دارند در دسترسشان است، بلکه لذایذی هست که مافوق خواست آنها می‌باشد.^{۷۱} در حقیقت خداوند اراده کرده است که درجات بهشت متفاوت باشد و شما با اعمال صالح خود در درجه بالاتر باشید.^{۷۲}

در سوره حاقه نیز آمده است: «فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ»^{۷۳} یعنی در بهشتی عالی و بلندمرتبه. در آن بهشت بلندمرتبه اذیتی نیست و به ایشان گفته می‌شود: بخورید و بیاشامید، گوارای وجودتان، به خاطر آنچه مقدم داشتید از اعمال صالح. بنابراین مقام بالا که جنت عالیه است از آن کسی است که گرایش به عالم طبیعت و تنزل نداشته باشد: «تَلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ».^{۷۴}

خداوند رفیع الدرجات است و انسان با ایمان را بالا می‌برد و او را رفعت می‌بخشد، تا به جنت عالیه برساند. انسان هر اندازه از توحید بهره داشته باشد، از اعتلا سهم دارد. اگر انسان متکلم و مستمع کلمه الله شد، عالی می‌شود. در حقیقت، بهشت محصول کار انسان است و انسانی که منشأ پیدایش بهشت است، از بهشت بالاتر است و از این جهت است که بهشت مشتاق اولیای الهی است.^{۷۵}

مقام علیین یا مقام وسیله؛ عالی‌ترین درجات

و مقامات بهشت

خداوند می‌فرماید: «كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عَلِيِّنَ».^{۷۶} علیین، عالی‌ترین و شریف‌ترین مراتب قرب پروردگار است. درباره برتری اهل علیین گفته

۷۱.المیزان، ج ۲۰، ص ۲۷۴.

۷۲.مجمع البیان، ج ۵، ص ۲۰۳.

۷۳.حاقه، ۲۲.

۷۴.قصص، ۸۳.

۷۵.سیره پیامبران در قرآن، ج ۶، ص ۲۳۳.

۷۶.مطفین، ۱۸.

۶۳.مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۹؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۱۲.

۶۴.روض الجنان و روح الجنان، ج ۴، ص ۵۹.

۶۵.قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱۵۹.

۶۶.البرهان، ج ۴، ص ۲۵۳؛ المیزان، ج ۱۲، ص ۵۵۰.

۶۷.الدر المنثور، ج ۴، ص ۲۵۴.

۶۸.مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۱۶.

۶۹.مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۵۹؛ المیزان، ج ۱۵، ص ۱۳.

۷۰.غاشیه، ۱۰.

می‌شود که اهل بهشت آنان را مانند ستارگان آسمان می‌بینند.^{۷۷} امام باقر(ع) فرمود: «خداوند ما را از مرتبه اعلیٰ علیین آفرید و قلوب شیعیان ما را از مرتبه ما و بدنهای ایشان را از مرتبه پایین‌تر آفرید. از این رو، قلوبشان به سوی ما گرایش دارد؛ زیرا از مرتبه‌ای که ما خلق شده‌ایم، آفریده شده‌اند».^{۷۸}

از منظر آیت‌الله جوادی آملی، انسانی که به مقام بالای یقین رسید، از مرحله ابرار می‌گذرد و مقرب و شاهد صحیفه‌های سایرین می‌گردد. راز این شهود مستمر هم آن است که پیامبر(ص) همواره بر متن صراط قرار دارد. باطن صراط مستقیم به بهشت منتهی می‌شود و امکان ندارد کسی بر متن صراط حرکت کند، اما بهشت و جهنم را نبیند. بنابراین مقربان عقاید و اخلاق و نیات و اعمال دیگران را هم‌اکنون می‌بینند، پس بر این اساس، کارهای ما مشهود حضرت ولی عصر(عج) است و ما در حضور آن حضرت هستیم.^{۷۹} در روایتی از پیامبر(ص) آمده است: «برای من از خداوند وسیله را مستثنت کنید که درجه‌ای است در بهشت که تنها یکی از بندگان خدا به آنجا می‌رسد و من امیدوارم همان بنده باشم». در سوره مائده نیز این واژه به کار رفته است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ».^{۸۰} در حقیقت بهشت وسیله از همه بهشتها برتر است که در همه بهشتها به صورتهای خاص حضور دارد و مخصوص پیامبر(ص) است.^{۸۱}

حقیقت بهشت

تمام مراتبی که درباره بهشت بیان شدند، تمثیل یافته فضایل در انسانها هستند و حقیقت بهشت همانا قرب به خداوند متعال است. به عنوان مثال منظور از جنت مأوی، همان بهشت وعده داده شده است که در آیات

۷۷:تسنیم، ج ۱۶، ص ۲۱۴.

۷۸:تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۲۹.

۷۹:تسنیم، ج ۹، ص ۱۳۲.

۸۰:مائده، ۳۵.

۸۱:تسنیم، ج ۲، ص ۴۵۹.

دیگر به جنات عدن و مانند آن تعبیر شده است و یا مقام علیین که بالاترین درجه بهشت است، هم‌ردیف و مشابه مقام و مرتبه وسیله است که مقربان در آن جای دارند.

در حقیقت انواع و مراتب بهشتها نشان دهنده تفاوتها نیست، بلکه مراتب مختلفی از یک بهشت واحد است و تفاوت اینها بر حسب اختلاف درجه ایمان و توحید در بهشتیان است که به صورت این باغ و بستانها با آن شرایط خاص تمثیل یافته است. افراد بهشتی که در درجات گوناگون قرار دارند، از آنچه خود دارند، لذت می‌برند و نسبت به آنچه دیگران دارند غبطه می‌خورند؛ یعنی هرکس در جای خود قرار دارد و اگر حسرت و اندوهی وجود دارد، در صحنه قیامت قبل از ورود به بهشت است؛ زیرا جنت دارالسلام است و در خانه سلامت، مجالی برای رنجش و ناراحتی نیست.^{۸۲}

بنابراین، ذومراتب بودن نعمتهای جنت به اعتبار تفاوت انسانها در خصال و ملکات آنها است و هرکس در هر درجه چنان با سعادت مطلوبش عجین می‌شود که جایی برای نظر کردن به دیگران و بروز کینه و رشک در او باقی نمی‌ماند. چیزی که مهم است، این است که مقامها و مراتب بهشت جمع الجمع است؛ یعنی در بهشت هرکس مرتبه دوم را دارد، مرتبه اول را هم دارد و هرکس مرتبه سوم را دارد، مرتبه اول و دوم را هم دارد و کسی که در مرتبه اعلیٰ علیین است، همه مراتب را دارد.

گروهی از بهشتیان دو بهشت دارند: هم بهشت دیدار (وَادْخُلِيْ جَنَّتِيْ) و هم بهشتی که در بسیاری از آیات بدان تصریح شده است (تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ). ولی برای مؤمنان متوسط تنها بهشتی است که زیر آن جویبارها جاری است و بهشت لقا برای آنان نیست؛^{۸۳} یعنی هرکس به قدر همت خود از جنات بهره‌مند می‌شود. بالاترین مرتبه از آن کسانی است که

۸۲:سیره پیامبران در قرآن، ج ۹، ص ۲۳۹.

۸۳:صهای حج، ص ۴۵۸.





به تعبیر امام صادق(ع) خدا را از روی محبت عبادت می‌کردند.

به طور کلی بهشت مانند وجود انسان یک بعد مثالی و ملکوتی و یک بعد مادی و طبیعی دارد. اگر فقط بهشت روحانی بود و انسان فقط به همان نعمتهای معنوی بسنده می‌کرد، دیگر نیازی به بهشتهای یاد شده در قرآن کریم نبود، ولی انسان حقیقتی است مرکب از روح و جسم و همین حقیقت در قیامت لذتهای معنوی و روحی را در کنار لذایذ و آلام جسمی می‌طلبد. باید به این نکته توجه کرد که در قیامت سخن از دنیا نیست، بلکه اعمال دنیایی انسان در آنجا ظهور می‌کند و نعمتهای بهشتی با عقاید، عبادات، اخلاق و اعمال شایسته فراهم می‌شود.^{۸۴}

بهشتیان در پرتو عنایت الهی و الطاف او روز به روز به خداوند نزدیک‌تر می‌شوند و در مسیر قرب او پیش می‌روند. پس در بهشت تکامل وجود دارد، اما نه با طاعتها و عبادتها؛ زیرا بهشت خانه تکلیف نیست، بلکه در پرتو اعمالی که انجام داده‌اند، همچنان به مسیر تکامل خود ادامه می‌دهند. پس آنچه در بهشت برای بهشتیان وجود دارد، فضل الهی، اعمال دنیایی و عبادتها و اذکار عاشقانه‌ای است که همراه خود دارند. خداوند حکیم، جان و مال را به بندگان عطا فرموده است، سپس داده خود را از آنان باز خرید می‌کند و بهشت ابدی را بهای آن قرار می‌دهد. در نتیجه انسان از ذات خود هیچ سرمایه‌گذاری نکرده و در اثر هدایت الهی سود کلان و سرشاری کسب کرده است.^{۸۵} در واقع، هدف خداوند در این معامله تکمیل خلقت بشر است؛ یعنی خداوند می‌خواهد با این هدایت تشریحی، هدایت تکوینی را تقویت نموده و مخلوق را به آن هدفی که در خلقت او است، برساند.

نتیجه‌گیری

۱. مراتب و درجات بهشت متفاوت است و شامل جنت نعیم، جنت مأوی، جنت عدن، جنت فردوس و جنت عالیه است و عالی‌ترین درجات بهشت نیز مقام قرب پروردگار است که همان علیین یا بهشت وسیله است. این بهشت از تمام بهشتهای برتر است و در انواع بهشت به صورتهای گوناگون حضور دارد و مختص انسان کامل است.

۲. در حقیقت بهشت و جنت تمثیل یافته فضایل و اعمال صالح بهشتیان و قرب آنها به مقام باری تعالی است. انسان بهشتی با عمل صالح خود در این دنیا این بهشتهای را می‌سازد و گاهی خود درجه می‌شود؛ یعنی بهشت را خود خلق می‌کند و خودش بهشت می‌شود و چون بهشت آفرین از بهشت بالاتر می‌باشد، پس انسان بهشتی از بهشت بالاتر است. همچنین تفاوت مراتب و درجات بهشت به تفاوت ایمان انسانها برمی‌گردد و چون مراتب تقوا و عمل صالح متفاوت است، پس جنات آنها هم با یکدیگر متفاوت خواهد بود.

۳. در نهایت این بهشتهای با یکدیگر هم‌پوشانی دارند و برخی بهشتیان مقام جمع‌الجمعی دارند؛ یعنی کسی که مراتب بالاتر در بهشت را دارد، از مراتب پایین‌تر نیز بهره‌مند می‌گردد، ولی همه در نهایت رضایت، از باری تعالی هستند و از مرتبه و موقعیت خود کمال لذت را می‌برند.

۴. در حقیقت بهشت مکانی فرح بخش و متکامل است که در آن پیری، زوال، فقر، شکست و بیماری وجود ندارد و خانه تکلیف نیست و انسانها با جان و مالی که خداوند به آنها عطا کرده، آن را خریداری می‌کنند و در اثر هدایت الهی شامل این مقامات و فیوضات غیرقابل تصور می‌شوند که گوشه‌ای از آنها در قرآن کریم و روایات بیان شده است.

۵. به طور کلی، ذات باری تعالی برای تکمیل خلقت

۸۴. تسنیم، ج ۱۳، ص ۳۴۴.

۸۵. سیره رسول اکرم، ج ۴، ص ۲۶۰.

بشر، با هدایت تشریعی خواستار تکمیل هدایت تکوینی او است، تا با ایصال به مطلوب او را به مقصد نهایی خود در خلقت؛ یعنی اتصاف به کمال محض و

قرب به ذات حق و مقام والای شهود برساند. بهشت معنوی و حسی منتهای رحمت رحیمیه الهی است.

کتابنامه

- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- ابن عاشور، محمدطاهر بن محمد، التحریر و التنویر، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ابن عربی، محمد بن علی، تفسیر ابن عربی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب حوزه، ۱۴۰۵ق.
- ابوالفتح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تهران، بنیاد بعثت، ۱۴۱۶ق.
- جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، به کوشش محمد صفایی، قم، اسراء، ۱۳۸۹ش.
- همو، تسنیم، قم، اسراء، ۱۳۸۹ش.
- همو، سیره پیامبران در قرآن، به کوشش علی اسلامی، قم، اسراء، ۱۳۸۹ش.
- همو، سیره رسول اکرم، به کوشش حسن واعظی محمدی، قم، اسراء، ۱۳۸۷ش.
- همو، صهای حج، به کوشش حسن واعظی محمدی، قم، اسراء، ۱۳۸۸ش.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، سازمان لغت نامه دهخدا، ۱۳۵۲ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، دمشق، دارالقلم؛ بیروت، الدار الشامیه، ۱۴۱۲ق.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی
- التفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ق.
- صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم، فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۵ش.
- طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۲ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- فخر رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.
- قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۶۴ش.
- محمدی ری شهری، محمد، بهشت و دوزخ از نگاه قرآن و حدیث، با همکاری سید رسول موسوی، قم، دارالحدیث، ۱۳۹۳ش.
- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بیروت، دارالکتب العلمیه؛ تهران، مرکز نشر آثار علامه مصطفوی، ۱۴۳۰ق.

